

The Mediating Role of Cognitive Emotion Regulation in the Relationship between Attachment Styles and Attitudes Towards Marriage

Yaser Rezapour
Mirsaleh 

Associate professor, Department of Counseling,
Faculty of Humanities and Social Sciences,
Ardakan University, Ardakan, Iran

Hedyeh Rabaniayn 

MA Student of career counseling, Faculty of
Humanities and Social Sciences, Ardakan
University, Ardakan, Iran

Fatemeh Aminjafari 

MA Student of career counseling, Faculty of
Humanities and Social Sciences, Ardakan
University, Ardakan, Iran

Abstract

This study aimed to investigate the mediating role of cognitive emotion regulation in the relationship between attachment styles and attitudes towards marriage. This was an applied and correlational study based on structural equation modeling. The population of this study included all single young of Isfahan uinversity; a total of 310 participants were selected using available sampling method. Data were gathered using attachment style questionnaire (Besharat, 2014), cognitive emotion regulation questionnaire (Garnevsky et al. 2001), and attitude toward marriage questionnaire (Bratin and Rosen, 1998), and were analyzed using structural equation modeling via AMOS-26 software. The results showed that secure attachment style has a positive relationship with realistic attitude towards marriage and avoidant and ambivalent attachment styles have a negative and significant relationship with realistic attitude towards marriage. A

* Corresponding Author: rezapour@ardakan.ac.ir

How to Cite: Rezapour Mirsaleh, Y., Rabaniayn, H., Aminjafari, F. (2025). The Mediating Role of Cognitive Emotion Regulation in the Relationship between Attachment Styles and Attitudes Towards Marriage, *Journal of Culture of Counseling and Psychotherapy*, 16(61), 33-66. DOI: 10.22054/qccpc.2025.75286.3173

significant positive relationship was observed between the compromise strategy in emotion regulation and realistic attitude towards marriage. Also, the uncompromising strategy had a significant negative relationship with the realistic attitude towards marriage and a significant positive relationship with the pessimistic attitude towards marriage ($p<.01$). Also, the findings showed that cognitive emotion regulation plays a mediating role in the relationship between attachment styles and attitudes towards marriage. In general, it can be said that people who have a secure attachment style can regulate their emotions properly and ultimately have a positive attitude towards marriage, which can be considered in premarital counseling.

Keywords: Cognitive Emotion Regulation, Attachment Styles, Attitude Towards Marriage.



بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی با نگرش به ازدواج با توجه به نقش میانجی تنظیم شناختی هیجان

دانشیار، گروه مشاوره، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه
اردکان، اردکان، ایران

یاسر رضاپور میر صالح *^{id}

دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره شغلی، دانشکده علوم انسانی و
اجتماعی، دانشگاه اردکان، اردکان، ایران

هدیه ربانیان ^{id}

دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره شغلی، دانشکده علوم انسانی و
اجتماعی، دانشگاه اردکان، اردکان، ایران

فاطمه امین جعفری ^{id}

چکیده

پژوهش حاضر به منظور بررسی نقش میانجی تنظیم شناختی هیجان در ارتباط بین سبک‌های دلبستگی و نگرش به ازدواج انجام شد. این پژوهش از نوع کاربردی و روش پژوهش، همبستگی و مبتنی بر مدل یابی معادلات ساختاری بود. جامعه این پژوهش شامل دانشجویان مجرد دانشگاه اصفهان در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ بود که از این بین ۳۱۰ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس به عنوان نمونه انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه سبک دلبستگی بشارت (۱۳۸۴)، پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان گارنفسکی و همکاران (۲۰۰۱) و پرسشنامه نگرش به ازدواج براتین و روزن (۱۹۹۸) جمع‌آوری و با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری به کمک نرم‌افزار AMOS-26 تحلیل شدند. نتایج نشان داد سبک دلبستگی ایمن با نگرش واقع‌گرایانه به ازدواج رابطه مثبت و سبک‌های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا با نگرش واقع‌گرایانه به ازدواج رابطه منفی و معناداری دارند. ارتباط مثبت معنادار بین راهبرد سازش یافته در تنظیم هیجان و نگرش واقع‌گرایانه به ازدواج مشاهده شد. همچنین راهبرد سازش نیافته با نگرش واقع‌گرایانه به ازدواج رابطه منفی معنادار و با نگرش بدبینانه به ازدواج رابطه مثبت معنادار داشت ($p < 0/01$). همچنین یافته‌ها نشان داد تنظیم شناختی هیجان در ارتباط بین سبک‌های دلبستگی با نگرش به ازدواج نقش میانجی دارد. به‌طور کلی، می‌توان گفت افرادی که دارای سبک دلبستگی ایمن هستند می‌توانند هیجانات خود را به‌درستی تنظیم کنند.

کلیدواژه‌ها: تنظیم شناختی هیجان، سبک‌های دلبستگی، نگرش به ازدواج.

* نویسنده مسئول: rezapour@ardakan.ac.ir

مقدمه

جوانان مهم‌ترین و سرنوشت‌سازترین قشر در هر جامعه هستند. هدایت صحیح آن‌ها در تصمیم‌گیری‌هایشان می‌تواند هم سود فردی را شامل شود و هم سود جمعی (سپهری و حسن‌زاده توکلی، ۱۳۹۰). امروزه ازدواج جوانان یکی از چالش‌های اصلی هر جامعه‌ای به شمار می‌رود. ازدواج یکی از مهم‌ترین و سرنوشت‌سازترین انتخاب‌های هر فرد در زندگی بوده و گامی بزرگ در جهت تکامل مؤلفه‌های شخصیتی و ابعاد درونی انسان می‌باشد (آدامسزیک^۱، ۲۰۱۷). ازدواج امری ارادی و به‌عنوان یک انتخاب آگاهانه برای پیوند و ایجاد نهاد خانواده به شمار می‌رود (حسینی، تاجیک اسماعیلی و محسن‌زاده، ۱۴۰۰).

فرایند انتخاب همسر یکی از مهم‌ترین و اغلب دشوارترین مراحل زندگی برای بسیاری از بزرگ‌سالان جوان محسوب می‌شود (غفوری اصل، عبدالحی و امیری، ۱۳۹۳). ازدواج مسئله‌ای مهم در طول زندگی اجتماعی انسان است و نگرش نسبت به آن، موفقیت یا شکست در این زمینه را تحت تأثیر قرار می‌دهد (بشارت، کشاورز، غلامعلی لواسانی و عربی، ۱۳۹۷). نگرش‌ها و انتظارات نسبت به ازدواج و زندگی زناشویی نقشی کلیدی در حل زنجیره مشکلات ازدواج دارد. نگرش افراد به ازدواج می‌تواند سازنده یا مخرب باشند. نگرش‌ها در آن که فرد می‌گوید و می‌شنود، منعکس می‌شوند و بر ادراک او از دنیای اطراف تأثیر می‌گذارند (امیدوار، فاتحی زاده و احمدی، ۱۳۸۶). بر اساس شواهد تجربی، نگرش‌ها، رفتارها و ارزش‌های والدین به‌طور قابل‌توجهی بر نگرش‌ها و عقاید فرزندان آن‌ها در مورد ازدواج اثرگذار هستند (خجسته مهر، محمدی و عباس پو، ۱۳۹۵). در سال‌های اخیر، نگرش جوانان نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده جهت‌گیری منفی یافته و به دنبال این نگرش منفی تباهی اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی در جوانان عمومیت یافته است (جانسون^۲، ۲۰۰۰). نگرش بدبینانه به‌عنوان یکی از انواع نگرش به ازدواج می‌تواند عامل مؤثری در رفتار فرد باشد و اینکه فرد به هنگام ارتباط با یک فرد عاشق اطلاعات را چگونه

1 Adamczyk

2 Jonsson

تعبیر می‌کند؛ بنابراین کسانی که نسبت به موفقیت‌های آتی روابط نگرش بدبینانه دارند، ناخواسته با انجام دادن رفتارهایی منجر به شکست رابطه می‌شوند. درحالی‌که کسانی که نگرش آن‌ها به ازدواج خوش‌بینانه است، معمولاً به گونه‌ای رفتار می‌کنند که ناخواسته منجر به امتداد رابطه آن‌ها می‌شود (شریفی زاده، ۱۳۹۱).

عوامل مختلفی بر نگرش ازدواج جوانان مؤثر است، ازجمله آن می‌توان به سبک‌های دلبستگی اشاره کرد. (غفوری اصل، عبداللهی و امیری، ۱۳۹۳). تجارب نامطلوب دوران کودکی به دلیل عوامل مختلف مانند سوءاستفاده فیزیکی و عاطفی، غفلت و روابط خانوادگی ناکارآمد که در دوران کودکی رخ می‌دهد، مشخص می‌شود. هنگامی که کودکان با ناملایمات دوران کودکی مواجه می‌شوند، ممکن است احساسات منفی شدید و مداومی را تجربه کنند که باعث ایجاد اختلال در تنظیم هیجان می‌شود (بی، وی، ژانگ، لی و کائو^۱، ۲۰۲۳). بر اساس نظریه دلبستگی، دلبستگی ایمن به کودک کمک می‌کند تا به کشف محیط ایمن پردازد و تعامل خود را دنیای پیرامون گسترش دهد و احساسات خود را تقویت کند (برخورداری، صیدی و حجت خواه، ۱۴۰۲). سبک‌های دلبستگی الگوهایی از روابط بین فردی هستند که تمایل دارند در طول زندگی ادامه پیدا کنند و تأثیر قابل توجهی بر عملکرد شخصی و حرفه‌ای فرد دارند (پلانتاد-گیچ، برونو، استارب، بووارد و مارتین-کروم^۲، ۲۰۲۳). نتایج نشان می‌دهد که همبستگی معناداری بین بازنمایی دلبستگی و تنظیم هیجان وجود دارد. دلبستگی ایمن به‌طور مداوم با تنظیم هیجانی متعادل مرتبط است، درحالی‌که در دلبستگی نایمن و ناکارآمد در دلبستگی حل نشده اختلال ایجاد می‌کند (الرت و باچیم^۳، ۲۰۲۳).

مفهوم دلبستگی و تعلق به‌طور اساسی توسط بالبی^۴ (۱۹۷۳) مطرح شد. او عنوان کرد که تجربه صمیمانه دوران کودکی به شکل‌گیری طرح‌واره‌ها در افراد منجر می‌شود و این طرح‌واره‌ها را به دنبال مدل‌های فعال شناختی در مورد روابط صمیمانه نام‌گذاری کرد

1 Ye, Wei, Zhang, Li, Cao

2 Plantade-Gipch, Bruno, Strub, Bouvard and Martin-Krumm

3 Eilert and Buchheim

4 Balbi

(آشته، ۱۳۹۳). سبک‌های دلبستگی قواعد عاطفی، شناختی و هیجانی افراد را در روابط بین فردی و اجتماعی تعیین و هدایت می‌کنند (نامنی و نجفی، ۱۳۹۷). هازن و شیور^۱ (۱۹۸۷) دلبستگی را نظامی می‌دانند که خود را در روابط عاشقانه بزرگ‌سالی نیز بروز می‌دهد. آن‌ها سه سبک اصلی دلبستگی بزرگ‌سالی را تعریف می‌کنند: ایمن، مضطرب / دوسوگرا و اجتنابی. سبک دلبستگی ایمن بزرگ‌سالی با دلبستگی عاطفی ایمن مشخص می‌شود. افراد دلبسته ایمن بیشتر احتمال دارد که خود را دوست‌داشتنی و خوش‌مشرّب بدانند، قادر باشند درماندگی خود را اعلام کنند و درخواست حمایت نمایند و به نحو سازنده‌ای احساس‌های منفی خود را در حل مسئله تعدیل نمایند. برعکس، سبک مضطرب دوسوگرا با وابسته بودن، محتاج بودن و احساس‌ها دوسوگرا در روابط مشخص می‌شود. درواقع سبک‌های دلبستگی مجموعه‌ای از خصوصیات رفتاری، هیجانی، عاطفی و ارتباطی را شامل می‌شوند (یعقوبی، یارمحمدی واصل و شمشیری، ۱۳۹۹).

افراد با سبک دلبستگی اضطرابی تمایل شدید به نزدیکی و ترس از طرد شدن و رها شدن دارند و سبک دلبستگی اجتنابی نیز شامل ارزش قائل شدن به استقلال و احساس ناراحتی از نزدیکی است و با رضایت کمتر و احساس امنیت کمتر در روابط نزدیک همراه است (ودلاگو، بالزارینی، فیتزپاتریک و میوز^۲، ۲۰۲۳). سبک دلبستگی اجتنابی بزرگ‌سالان با تکیه بر خود و بی‌نیازی از دیگران مشخص می‌شود. این افراد آسیب‌پذیری را انکار و ادعا می‌کنند که نیازی به روابط نزدیک ندارند و تمایل به اجتناب از صمیمیت را نشان می‌دهند. همچنین افراد دلبسته اجتنابی نگرش منفی و توانایی کمی در بخشیدن همسر دارند (برنت، دیویس، گرین، ورثینگتون و بردفیلد^۲، ۲۰۰۹). بر همین اساس می‌توان بیان کرد پیوندهای دلبستگی ایجادشده در دوران کودکی می‌تواند تأثیرات ماندگاری بر روابط بزرگ‌سالان داشته باشد (پی و همکاران، ۲۰۲۳).

رابطه سبک‌های دلبستگی با نگرش به ازدواج دلبستگی افراد می‌تواند از پیش‌بین‌های قوی برای تشخیص نگرش به ازدواج افراد باشند (آشته، ۱۳۹۳). سبک‌های دلبستگی

1 Hazen & Shiver

2 Vedelago, Balzarini, Fitzpatrick & Muise

بزرگ‌سالان بر اساس تعامل بین ادراک افراد از خود و دیگران بر روابط بین فردی، بیان احساسات، راهبردهای تنظیم هیجان تأثیر می‌گذارد (سالیان-کیورز، دومینگوز-اسپینوسا و مرکادو^۱، ۲۰۲۳). بزرگ‌سالان با الگوهای دلبستگی پایدار، روابط عاشقانه سالم‌تری دارند. از آنجایی که صمیمی هستند می‌توانند خواسته‌های خود را با همسرشان در میان بگذارند. بزرگ‌سالانی که از برقراری ارتباط اجتناب می‌کنند، معمولاً خودمختارتر و از دیگران دورتر هستند. آن‌ها می‌توانند از تعاملات نزدیک اجتناب کنند و از ایجاد ارتباطات عاطفی اجتناب کنند. افراد مضطرب-دوسوگرا به ارتباط عاطفی نیاز دارند اما نگران طرد شدن یا رها شدن هستند (انجوم، قاضی، امین، رمضان و علوی^۲، ۲۰۲۳). چنین اشخاصی به خاطر تردید در مورد عشق، تمایل و آمادگی کمی برای ازدواج دارند. افراد اضطرابی به دلیل احساس اضطراب و طردشدگی دائمی که دارند، در پی نزدیکی و الحاق شدن و دارای دلبستگی شدیدی نسبت به همسرشان می‌باشند؛ چنین اشخاصی گرایش و آمادگی بسیاری برای ازدواج دارند (داویل و برادبوری^۳، ۲۰۰۴). افراد دارای سبک اضطرابی دوسویه بیشترین میزان بی‌ثباتی در ازدواج را نشان می‌دهند (آشته، ۱۳۹۳).

یکی دیگر از عواملی که می‌تواند بر نگرش به ازدواج اثر گذارد، تنظیم شناختی هیجان است. تنظیم هیجانی به فرآیندهای بیرونی و درونی مسئول نظارت، ارزیابی و اصلاح واکنش‌های هیجانی اشاره دارد که از طریق آن به دنبال افزایش، حفظ یا کاهش یک یا چند جزء از آن‌ها هستیم، چه به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه (گروس^۴، ۲۰۰۱؛ تامپسون^۵، ۱۹۹۴). این شامل تغییراتی در واکنش عاطفی مانند نوع احساساتی است که افراد دارند، زمانی که آن‌ها را دارند و نحوه آزمایش و ابراز آن‌ها (گروس، ۲۰۱۵).

تنظیم هیجان ممکن است به عنوان تلاش‌های عمدی یا خودکار افراد برای تأثیرگذاری بر احساسات، نحوه تجربه یا بیان این احساسات تعریف شود و شامل تغییرات

1 Salinas-Quiroz, Domínguez-Espinosa & Mercado,

2 ANJUM, QAZI, AMIN, RAMZAN, ALVI

2 Davila & Bradbury

4 Gross

5 Thompson

در یک یا چند جنبه از هیجان است همچنین ممکن است منجر به یک پاسخ عاطفی شود که از نظر شدت یا مدت زمان کاهش یا افزایش می‌یابد. از سوی دیگر تفاوت‌های فردی در تنظیم هیجان با طیفی از پیامدهای مهم در زندگی افراد مرتبط است (ماس، بانگ و گروس^۱، ۲۰۰۷).

استفاده از راهبردهای تنظیم هیجان بر تعاملات بین فردی و روابط نزدیک عاطفی اثرگذار است و پیامدهای عاطفی، شناختی و اجتماعی را برای افراد در پی دارد. به‌عنوان مثال افرادی که از راهبرد ارزیابی مجدد استفاده می‌کنند عملکرد بهتری در روابط بین فردی دارند (گروس، جان و ریچارد^۲، ۲۰۰۶). درواقع تنظیم هیجان به توانایی افراد در عمل کردن، آگاهی داشتن و ابراز کلامی و به‌کارگیری هیجانات به‌صورت سازگارانه در جهت پیشبرد نیازها و اهداف گفته می‌شود (شوشتری و رمضانی، ۱۴۰۱).

هنگامی که انسان‌ها تنظیم هیجان را به‌کار می‌گیرند، چگونگی تجارب و تظاهر هیجان‌های خود را هم تحت اختیار می‌گیرند. تنظیم هیجان می‌تواند آگاهانه یا ناآگاهانه، زودگذر یا دائمی و رفتاری و شناختی باشد. موضوع تنظیم شناختی هیجان که به‌تازگی توجه پژوهشگران را جلب کرده، به مجموعه‌ای از راهکارهای شناختی گفته می‌شود که افراد از آن‌ها برای تقویت، تضعیف و یا حفظ هیجانات خود استفاده می‌کنند. تنظیم شناختی هیجان را می‌توان فرایند نظارت بر داده‌های تحریک‌کننده هیجانی و کنترل آن‌ها دانست (کریمی فر، دین‌پرور، جواهری، ثابت و بجانی، ۱۳۹۵). تنظیم شناختی هیجان به راهبردهای شناختی دخل و تصرف اطلاعاتی اشاره می‌کنند که به دنبال آن هیجان می‌آید. تنظیم هیجان شناختی همراه همیشگی آدمی است که به مدیریت یا تنظیم عواطف و هیجان‌ها کمک می‌کند و به انسان توانایی سازگاری بیشتر به‌خصوص بعد از تجارب هیجانی منفی را می‌دهد (امین‌آبادی، خداپناهی و دهقانی، ۱۳۹۰).

هیجان‌ها نقش مؤثری در میزان سلامت و عملکرد مطلوب به‌فرد در روابط اجتماعی دارند. شواهد نشان می‌دهند افرادی که مهارت هیجانی دارند یعنی کسانی که احساسات

1 Mauss, Bunge & Gross

2 Gross, Richards & John

خود را به خوبی می‌شناسند و هدایت می‌کنند و احساسات دیگران را درک، به طرز اثربخشی با آن برخورد می‌کنند. در هر حیطه‌ای از زندگی ممتاز هستند (رنجبردار، ۱۳۸۹). همچنین نتایج پژوهش نشان داد که راهبردهای تنظیم هیجان با کاهش هیجانات منفی حوادث عاطفی و بهبود ارتباطات رابطه دارد. تنظیم هیجان در اشکال مختلف آن کاربرد فراگیری در تمام جنبه‌های زندگی انسان از سال‌های اولیه زندگی دارد (روتبارت و احدی^۱، ۱۹۹۴). همچنین راهبردهای تنظیم هیجان برگرفته از نظام دلبستگی زوجین هستند و نقش حائز اهمیتی در روابط میان زوجین دارند (شوشتری و رمضانی، ۱۴۰۱)؛ بنابراین می‌توان گفت تنظیم هیجان در نگرش به ازدواج هم تأثیر بسزایی دارد. تنظیم هیجان سازگارانه با اعتماد به نفس و تعاملات اجتماعی، افزایش در فراوانی هیجان‌های مثبت، مقابله مؤثر در مواجهه با موقعیت‌های تنیدگی‌زا و حتی گسترش فعالیت‌های ممکن در پاسخ به فعالیت‌های اجتماعی مرتبط است (دکر، ترک، هس و موری، ۲۰۰۸). نتایج پژوهش‌های اخیر نشان دادند بین تنظیم هیجان و نگرش به ازدواج رابطه مثبت وجود دارد؛ زیرا با کاهش توانایی تنظیم هیجان بر نگرش به ازدواج تأثیر منفی می‌گذارد. از سوی دیگر، در پژوهشی که نوری (۱۳۸۸)، در مورد رابطه بین سبک‌های دلبستگی و نگرش نسبت به عشق و ازدواج انجام داد، نشان داد که بین برخی از سبک‌های دلبستگی با برخی از انواع عشق رابطه وجود دارد (فروشانی، امانی پور و محمودی، ۱۳۸۸)؛ به نقل از دوست محمدی، (۱۳۸۹)؛ بنابراین با توجه به نتیجه پژوهش اکبرزاده عبدالجبار، پورلنگرودی و مصباح (۱۳۸۹)، افرادی که سبک دلبستگی ایمن دارند، نگرش مثبتی به ازدواج دارند و با توجه به ارتباط سبک دلبستگی با تنظیم شناختی هیجان می‌توان نتیجه گرفت افرادی که دلبستگی ایمن دارند در تنظیم هیجان بهتر عمل می‌کنند، پس نگرش آن‌ها به ازدواج مثبت است. نگرش‌های منفی باعث می‌شوند فرد انتظارات و خواسته‌های بسیار کمی از رابطه داشته باشند. پس می‌توان نتیجه گرفت افرادی که در مهارت هیجانی و راهبردهای تنظیم هیجان توانا هستند، با دیگران رابطه اجتماعی خوبی برقرار می‌کنند و نگرش آن‌ها به ازدواج مثبت

است.

سبک‌های دلبستگی علاوه بر نگرش به ازدواج، بر تنظیم شناختی هیجان نیز می‌توانند تأثیرگذار باشند؛ بنابراین می‌توان گفت افراد ایمن، اضطرابی و اجتنابی راهبردهای کاملاً متفاوتی برای پردازش اطلاعات هیجانی و تنظیم هیجان به کار می‌برند. افراد ایمن، از راهبردهای تنظیم هیجانی استفاده می‌کنند که تیدگی را به حداقل می‌رساند و هیجان‌های مثبت را فعال می‌سازد (برنت و همکاران ۳، ۲۰۰۱). دلبستگی ناایمن با مشکل در تنظیم هیجان مرتبط است و افراد دارای این سبک، در معرض خطر مشکلات برونی‌سازی و درونی‌سازی و آسیب‌های روانی هستند (کسیدی^۱، ۱۹۹۴). در مقابل، افراد با سبک دلبستگی اجتنابی بالا، تمایل دارند که راهبردهای غیر فعال سازی تنظیم هیجان را نشان دهند، به طوری که هیجانات، سرکوب شده و از طریق اتکای بیش از حد به خود، تنظیم می‌شوند (شیور، شکنر و میکولینسر^۲، ۲۰۰۵؛ تاسکا و بالفور^۳، ۲۰۱۴). با توجه به مطالب پیشین، تنظیم شناختی هیجان نقش میانجی بین سبک دلبستگی و نگرش ازدواج را ایفا می‌کند. نتایج یافته‌های پیشین حاکی از این است که دلبستگی ایمن می‌تواند راهبردهای مثبت و سازگارانه مانند پذیرش، باز ارزیابی مثبت، اتخاذ دیدگاه و تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی را پیش‌بینی کند. برعکس، دلبستگی اضطرابی و اجتنابی می‌تواند راهبردهای منفی و ناسازگارانه تنظیم شناختی هیجان مثل سرزنش خود، نشخوار ذهنی، سرزنش دیگران و فاجعه‌انگاری را به طور مثبت پیش‌بینی کند (موقوفه‌ای، ۱۳۹۴).

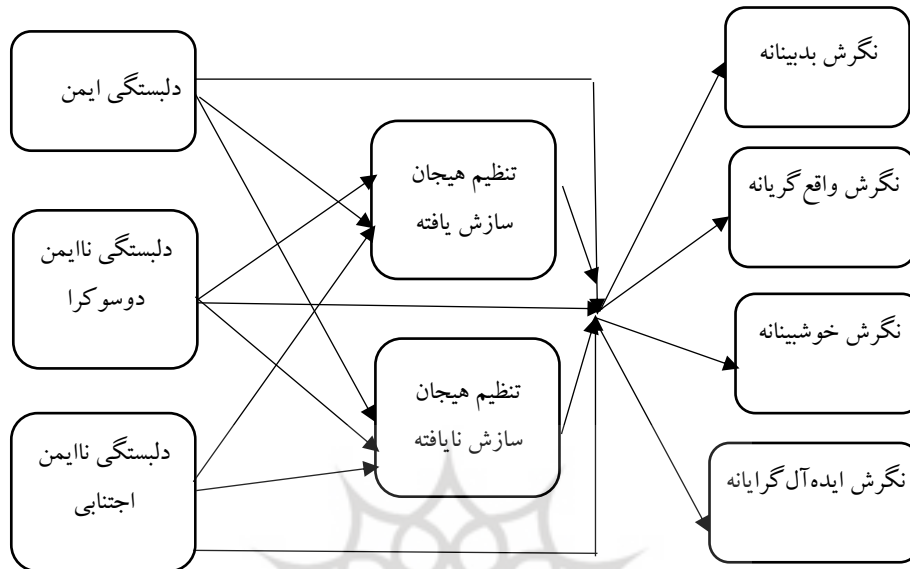
با توجه به توضیحات ارائه‌شده، می‌توان نقش میانجی تنظیم شناختی هیجان در ارتباط بین سبک‌های دلبستگی و نگرش به ازدواج را به شکل زیر نشان داد:

1 Ksidi

2 Shiver&Shekner & Mikolinser

3 Taska & Belfor

شکل ۱. مدل پیش فرض پژوهش



با توجه به مدل فوق، ارتباط نظری بین متغیرها وجود دارد. همان‌طور که در مدل فوق نشان می‌دهد تنظیم شناختی هیجان بر سبک دلبستگی و نگرش افراد به ازدواج تأثیرگذار است. از نظر بارق ویلیامز^۱ (۲۰۰۹)، تنظیم هیجانات سبک دلبستگی افراد را تحت الشعاع قرار می‌دهد. بالبی^۲ (۱۹۸۸) معتقد بود به دنبال نزدیکی و مجاورت بودن، یک راهکار تنظیم هیجان طراحی شده که برای رفع استرس است که نتیجه موفقیت‌آمیز این نزدیکی منجر به حس ایمن دلبستگی می‌شود. پس می‌توان گفت افرادی که حس ایمن دلبستگی را تجربه می‌کنند، تمایل بیشتری نسبت به ازدواج دارند و نگرش آن‌ها خوش‌بینانه است.

ازدواج به عنوان مهم‌ترین و عالی‌ترین رسم اجتماعی، برای دستیابی به نیازهای عاطفی و امنیتی افراد بزرگسال، همواره مورد تأیید بوده است. نگرش‌های افراد به ازدواج

1 Bargh & Williams

2 Balbi

3 Hazan & Shaver

می‌توانند سازنده یا مخرب باشند (امیدوار و همکاران، ۱۳۸۸). سبک دلبستگی فرد اگرچه در سال‌های اولیه زندگی شکل می‌گیرد، ولی در تمام طول عمر تداوم می‌یابد و ابعاد مختلف زندگی فرد از جمله روابط صمیمانه، عشق و ازدواج و چه‌بسا همسازی زناشویی وی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد (هازن و شیور^۱، ۱۹۸۷)؛ بنابراین بررسی این مسئله ضرورت دارد که آیا بین نقش میانجی تنظیم شناختی هیجان در ارتباط بین سبک‌های دلبستگی و نگرش به ازدواج ارتباط وجود دارد؟

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر از نوع توصیفی-همبستگی و مبتنی بر روش معادلات ساختاری می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش دانشجویان مجرد دانشگاه اصفهان است که تعداد ۳۳۰ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شدند که از این تعداد به علت ریزش یا وجود پرسشنامه‌های ناقص، در نهایت ۳۱۰ نفر به‌عنوان گروه نمونه انتخاب شدند. روش گردآوری داده‌های پژوهش، از نوع میدانی و پرسشنامه‌ای است که افراد مایل به همکاری در پژوهش، به‌صورت آنلاین به سؤالات پرسشنامه پاسخ دادند. همچنین جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات، از شاخص‌های توصیفی مانند میانگین و انحراف معیار و همچنین شاخص‌های استنباطی شامل مدل‌سازی معادلات ساختاری به کمک نرم‌افزار spss-26 استفاده شد. قبل از آزمون مدل پیش‌فرض پژوهش، نرمال بودن توزیع نمرات و خطی بودن رابطه بین متغیرها به ترتیب با آزمون‌های کلوموگروف-اسمیرنوف و نمودار نقطه‌ای بررسی و تأیید شد. همچنین همبستگی بین متغیرها قبل از ورود به مدل ساختاری با استفاده از همبستگی پیرسون بررسی شد.

ابزار گردآوری داده‌ها

الف) مقیاس سبک دلبستگی: این پرسشنامه توسط هازن و شیور (۱۹۸۷) طراحی و ارائه

شد و دارای ۳۶ سؤال است که سه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دو سوگرا را می‌سنجد. نمره‌گذاری این پرسشنامه در مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای (از خیلی کم تا خیلی زیاد) صورت می‌گیرد و نمرات خرده مقیاس‌های دلبستگی از میانگین پنج سؤال هر خرده مقیاس به دست می‌آید. حداقل نمره برابر ۵ و حداکثر نمره برابر ۲۵ می‌باشد. هازن و شاور (۱۹۸۷) پایایی این پرسشنامه را به روش آلفای کرونباخ ۰/۷۸ به دست آوردند. روایی این پرسشنامه نیز به روش تحلیل عاملی انجام گرفت که روایی سازه این پرسشنامه مورد تأیید قرار گرفت. این پرسشنامه در ایران توسط محمدعلی بشارت (۱۳۸۴) هنجاریابی و به صورت ۱۵ سؤالی ارائه شد. ضریب آلفای ۱۴۸۰ نفر (شامل ۸۶۰ دختر و ۶۲۰ پسر) برای کل آزمودنی‌ها به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۸۴ و ۰/۸۵ (برای دانشجویان دختر ۰/۸۶، ۰/۸۳ و ۰/۸۴ و برای دانشجویان پسر، ۰/۸۴، ۰/۸۵ و ۰/۸۶) محاسبه شد که نشانه همسانی خوب مقیاس دلبستگی بزرگسالان است. همچنین ضرایب همبستگی بین نمره‌های یک نمونه ۳۰۰ نفری از آزمودنی‌ها در دو نوبت با فاصله چهار هفته برای سنجش پایایی باز آزمایی محاسبه شد این واری در مورد سبک‌های دلبستگی ایمن اجتنابی و دو سوگرا برای کل آزمودنی‌ها به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۸۷ و ۰/۸۴، برای دانشجویان دختر ۰/۸۶، ۰/۸۲ و ۰/۸۵ و برای دانشجویان پسر ۰/۸۸، ۰/۸۳ و ۰/۸۳ محاسبه شد که نشانه اعتبار باز آزمایی رضایت‌بخش مقیاس است (بشارت، ۱۳۸۴). روایی محتوایی مقیاس دلبستگی بزرگسالان با سنجش ضریب‌های همبستگی بین نمره‌های ۱۵ نفر از متخصصان روان‌شناسی مورد بررسی قرار گرفت. ضرایب توافق کندال برای سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دو سوگرا به ترتیب ۰/۸۰، ۰/۶۱ و ۰/۵۷ محاسبه شد. روایی همگرایی مقیاس دلبستگی بزرگسالان از طریق اجرای هم‌زمان مقیاس‌های «مشکلات بین شخصی» و «حرمت خود کوپر اسمیت» در مورد یک نمونه ۳۰۰ نفری از آزمودنی‌ها ارزیابی شد و مورد تأیید قرار گرفت. به طوری که سبک دلبستگی ایمن با مشکلات بین شخصی همبستگی منفی معنادار از $r = -0.61$ تا $r = -0.83$ و با حرمت خود همبستگی مثبت معنادار از $r = 0.39$ تا $r = 0.41$ و سبک دلبستگی ناایمن با مشکلات شخصی همبستگی مثبت معنادار از $r = 0.26$ تا $r = 0.45$ و با حرمت خود

همبستگی منفی اما غیر معنادار داشتند (بشارت، ۱۳۸۴). در مطالعه حاضر آلفای کرونباخ سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرا ۰/۷۴، ناایمن اجتنابی ۰/۷۸ و سبک دلبستگی ایمن ۰/۸۲ به دست آمد.

ب) **مقیاس تنظیم هیجان شناختی:** این پرسشنامه دارای ۳۶ سؤال است که توسط گارنفسکی، کرایج و اسپین هوون^۱ (۲۰۰۱)، به منظور ارزیابی راهبردهای شناختی که هر فرد بعد از تجربه رخدادها یا تهدیدکننده یا استرس‌های زندگی به کار می‌برد، ابداع شده است و دو جنبه از راهبردهای تنظیم هیجان شناختی شامل راهبردهای سازش یافته و راهبردهای سازش نیافته را ارزیابی می‌کند و دارای ۹ خرده مقیاس است. نمره گذاری آن از نوع لیکرت ۵ درجه‌ای از ۱ (هرگز) تا ۵ (همیشه) است و از مجموع نمره مربوط به زیرمقیاس‌های کم‌اهمیت شماری، تمرکز مجدد مثبت، ارزیابی مجدد مثبت، پذیرش و تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی تقسیم‌بر ۱۰ (تعداد ماده‌ها)، نمره راهبردهای سازش یافته؛ و از مجموع نمره زیرمقیاس‌های خود سرزنشگری، دیگر سرزنشگری، تمرکز بر فکر/نشخوار گری و فاجعه‌نمایی تقسیم‌بر ۸ (تعداد ماده‌ها) نمره راهبردهای سازش نیافته به دست می‌آید. در بررسی مشخصات روان‌سنجی آزمون گارنفسکی و همکاران (۲۰۰۱) پایایی آزمون را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب برابر با ۰/۹۱، ۰/۸۷ و ۰/۹۳ به دست آوردند. فرم فارسی این مقیاس به وسیله سامانی و صادقی (۱۳۸۹) مورد اعتباریابی قرار گرفته که ضریب آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌های این پرسشنامه در دامنه ۰/۷۳ تا ۰/۹۲ گزارش شده است. همچنین حسنی (۱۳۸۹)، این پرسشنامه را مورد هنجاریابی قرار داده که در مطالعه او پایایی دامنه آلفای کرونباخ (۰/۷۶ تا ۰/۹۲) و باز آزمایی با دامنه همبستگی (۰/۵۱ تا ۰/۷۷) و همچنین روایی آن از طریق تحلیل مؤلفه‌ها ۰/۳۲ تا ۰/۶۷ و معنی‌داری مطلوب حاصل گردیده است. در پژوهش آقای و همکاران (۱۳۹۵) میزان آلفای کرونباخ ۰/۷۷ و در پژوهش نیک‌راهیان و همکاران (۱۳۹۵)، نیز آلفای کرونباخ

1 Garnefski, kraaij & Spinhoven, P

۰/۸۳ گزارش شده و درنهایت، روایی صوری آن نیز توسط اساتید مورد تأیید قرار گرفته است. در مطالعه حاضر، آلفای کرونباخ تنظیم هیجان منفی ۰/۷۸ و تنظیم هیجان مثبت ۰/۷۴ به دست آمد.

ج) مقیاس نگرش به ازدواج (MAS): مقیاس نگرش به ازدواج توسط براتین و روزن^۱ در سال ۱۹۹۸ ساخته شده است. این مقیاس شامل ۲۳ گزاره و دارای ۴ خرده مقیاس است که عبارت‌اند از: نگرش بدبینانه، نگرش خوش‌بینانه، نگرش واقع‌گرایانه و نگرش ایده‌آل‌گرایانه به ازدواج است که باورها و نگرش‌های مربوط به ازدواج را می‌سنجد (هولمان^۲، ۲۰۰۱). نمره‌گذاری این پرسشنامه با مقیاس ۴ درجه‌ای لیکرت (از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف) است و نمره کل از طریق جمع نمرات گزاره‌ها به دست می‌آید که حداقل ۲۳ و حداکثر ۹۲ است و نمرات بالاتر نشان‌دهنده نگرش مثبت‌تر نسبت به ازدواج است. طبق گزارش براتین و روزن (۱۹۹۸) نشان دادند که این پرسشنامه همبستگی بالایی ($r=0.77$) با پرسشنامه نگرش به ازدواج دارد و این پرسشنامه پایایی بالایی دارد. والرین (۲۰۰۱) نیز ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۴ را برای این مقیاس گزارش کرده که نشان از همسانی درونی نسبتاً بالای این مقیاس دارد. در ایران نیز این پرسشنامه توسط نیلفروشان، نویدیان و عابدی (۱۳۹۲)، اعتبارسنجی شد و ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس ۰/۷۷ و در روش باز آزمایی که از ۴۰ نفر از آزمودنی‌ها خواسته شده که پس از سه هفته مجدداً به پرسشنامه‌ها پاسخ دهند، ضریب باز آزمایی ۰/۹۱ گزارش داده‌اند. همچنین به منظور بررسی روایی همگرا همراه با مقیاس نگرش به ازدواج، «مقیاس انتظار از ازدواج» که سازه‌ای نزدیک به نگرش به ازدواج است، استفاده شد که نتیجه آن، حاکی از همبستگی ۰/۴۳ است. در مطالعه حاضر، آلفای کرونباخ این پرسشنامه ۰/۸۶ به دست آمد.

1 Braaten & Rosén

2 Holmn

یافته‌ها

میانگین و انحراف استاندارد سن شرکت کنندگان پژوهش به ترتیب ۲۲/۲۴ و ۲/۹۷ بود. ۶۱ نفر از شرکت کنندگان (۱۹/۷٪) تحصیلات سیکل و دیپلم، ۱۷۴ نفر (۵۶/۳٪) تحصیلات کاردانی و کارشناسی و ۷۴ شرکت کننده (۲۳/۹٪) تحصیلات کارشناسی ارشد و بالاتر داشتند. سطح تحصیلات پدر در شرکت کنندگان شامل ۲۲۷ نفر ابتدایی، سیکل و دیپلم (۷۳/۵٪)، ۵۷ نفر کاردانی و کارشناسی (۱۸/۴٪) و ۲۵ نفر کارشناسی ارشد و بالاتر (۸/۱٪) بود. سطح تحصیلات مادر در شرکت کنندگان شامل ۲۵۰ نفر ابتدایی، سیکل و دیپلم (۸۰/۹٪)، ۵۰ نفر کاردانی و کارشناسی (۱۶/۲٪) و ۹ نفر کارشناسی ارشد و بالاتر (۲/۹٪) بود. وضعیت درآمد خانوادگی شرکت کنندگان با توجه به حداقل حقوق تعیین شده وزارت کار سنجیده شد. ۱۵ نفر میزان درآمدی برابر حداقل حقوق و کمتر داشتند (۴/۹٪)، ۱۸۶ نفر از حداقل تا دو برابر حداقل حقوق درآمد داشتند (۶۰/۲٪)، ۱۰۱ نفر از دو برابر تا سه برابر میزان حداقل حقوق وزارت کار درآمد خانوادگی داشتند (۳۲/۷٪) و ۷ نفر بیش از سه برابر حداقل حقوق وزارت کار درآمد داشتند (۲/۳٪). جدول ۱ میانگین، انحراف معیار و همبستگی بین متغیرهای مورد مطالعه را نشان می‌دهد.

جدول ۱. میانگین، انحراف معیار و همبستگی بین متغیرهای مورد مطالعه

متغیرها	خوده مقیاس	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	میانگین	انحراف معیار
سبک‌های دلبستگی	۱. ایمن	۱								۱۵/۹۷	۳/۱۴
	۲. دوسوگرا	۰/۶۱**	۱							۱۳/۶۴	۳/۲۸
	۳. اجتنابی	۰/۳۶**	۰/۴۱**	۱						۱۳/۴۴	۳/۸۴
تنظیم هیجان	۴. سازش یافته	۰/۱۷**	۰/۰۶**	۰/۱۵**	۱					۸۱/۳۱	۱۱/۳۵
	۵. سازش نایافته	۰/۳۲**	۰/۳۶**	۰/۴۶**	۰/۱۵**	۱				۳۶/۴۴	۷/۸۵
نگرش به ازدواج	۶. بدبینانه	۰/۲۸**	۰/۲۷**	۰/۲۴**	۰/۰۷**	۰/۲۸**	۱			۱۹/۱۰	۳/۷۹
	۷. خوش‌بینانه	۰/۱۵**	۰/۱۷**	۰/۰۲	۰/۰۷**	۰/۰۹**	۰/۴۳**	۱		۱۲/۶۷	۲/۵۱

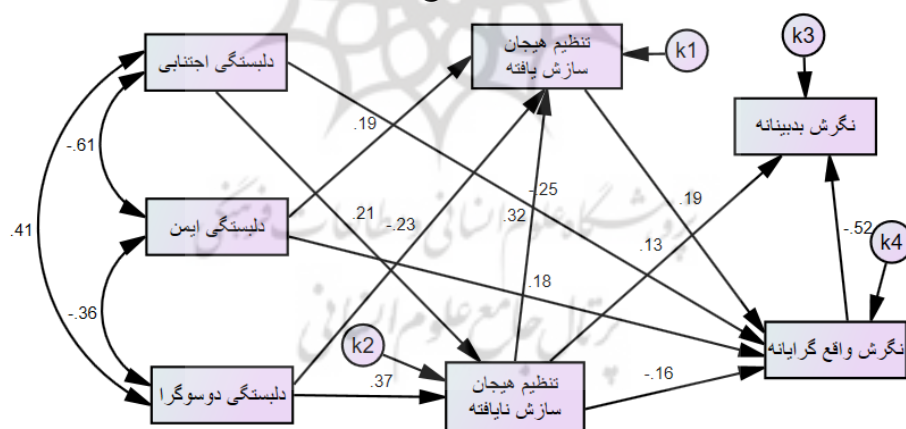
متغیرها	خرده مقیاس	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	میانگین	انحراف معیار
	۸. واقع‌گرایانه	۰/۴۱ ^{***}	۰/۴۲ ^{***}	۰/۲۲ ^{***}	۰/۲۱ ^{***}	۰/۲۸ ^{***}	۰/۵۶ ^{***}	۰/۴۱ ^{***}	۱	۱۶/۱۲	۳/۲۸
	۹. ایده‌آل‌گرایانه	۰/۰۲	۰/۰۷	۰/۰۸	۰/۰۷ ^{***}	۰/۰۸ ^{***}	۰/۱۱ [*]	۰/۱۹ ^{***}	۰/۰۵ ^{***}	۷/۷۱	۱/۷۳

نتایج نشان می‌دهد که سبک دلبستگی ایمن با تنظیم شناختی سازش یافته هیجان، همبستگی معنی‌دار مثبت و با تنظیم شناختی هیجان سازش نیافته، همبستگی معنی‌دار منفی داشت. بالعکس سبک‌های دلبستگی ناایمن دوسوگرا و اجتنابی با تنظیم شناختی سازش یافته هیجان، همبستگی معنی‌دار منفی و با تنظیم شناختی هیجان سازش نیافته، همبستگی معنی‌دار مثبت داشتند ($p < 0/01$). سبک دلبستگی ایمن با نگرش واقع‌بینانه به ازدواج، همبستگی معنی‌دار مثبت و سبک‌های دلبستگی ناایمن با نگرش واقع‌بینانه به ازدواج، همبستگی معنی‌دار منفی داشتند. سبک دلبستگی ایمن باهم با نگرش بدبینانه و هم با نگرش خوش‌بینانه به ازدواج، همبستگی معنی‌دار منفی داشت و برعکس سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرا با نگرش خوش‌بینانه و بدبینانه به ازدواج، همبستگی معنی‌دار مثبت داشت. سبک‌های دلبستگی ایمن و ناایمن هیچ کدام با نگرش ایده‌آل‌گرایانه به ازدواج همبستگی معنی‌دار نداشتند ($p > 0/05$). درنهایت یافته‌ها نشان داد که تنظیم شناختی سازش یافته هیجان با نگرش واقع‌گرایانه به ازدواج، همبستگی معنی‌دار مثبت و تنظیم شناختی سازش نیافته هیجان با نگرش واقع‌گرایانه به ازدواج، همبستگی معنی‌دار منفی داشت ($p < 0/01$).

به منظور تحلیل مدل پیشنهادی در این مطالعه از تحلیل معادلات ساختاری استفاده شد. مفروضات مدل سازی ساختاری شامل نرمال بودن توزیع نمرات، عدم هم خطی متغیرهای مستقل با یکدیگر و استقلال متغیرهای خطا از یکدیگر مورد بررسی و تأیید قرار گرفت. مقادیر آزمون کلموگروف - اسمیرنوف برای متغیرهای سبک دلبستگی ایمن ($F=0/059, p=0/084$)، ناایمن دوسوگرا ($F=0/236, p=0/044$) و اجتنابی ($p=0/078$).

$(F=0/063, p=0/359)$ و نگرش به ازدواج $(F=0/054, p=0/103)$ غیرمعنی‌دار بود که نشان از نرم‌ان بودن توزیع این نمرات در جامعه می‌داد. مقادیر آزمون تورم واریانس کوچک‌تر از ۲ و مقادیر آزمون تحمل بزرگ‌تر از ۰/۶ بود که نشان از عدم هم خطی متغیرهای مستقل با یکدیگر می‌داد. مقادیر آزمون دوربین وات سون نیز کمتر از ۴ بود که نشان از استقلال متغیرهای خطا از یکدیگر می‌داد. خطی بودن رابطه بین متغیرها نیز با استفاده از نمودار نقطه‌ای مورد بررسی قرار گرفت. آزمون مدل پیش فرض نشان داد که بعضی از مسیرها معنی‌دار نیستند و شاخص‌های برازش نیز بعضی به معیار مطلوب نرسیده‌اند؛ بنابراین با حذف چند مسیر و انجام شاخص‌های اصلاح مدل، مدل اصلاح شد و این بار شاخص‌های برازش نشان داد که مدل اصلاح‌شده به برازش مطلوب رسیده است. در شکل ۱، مدل آزمون شده آورده شده است.

شکل ۲. مدل اصلاح‌شده ارتباط ساختاری بین سبک‌های دلبستگی، تنظیم شناختی هیجان و نگرش به ازدواج



همان‌طور که در شکل ۲ نشان داده شده است، در مدل اصلاح‌شده، نگرش خوش‌بینانه و ایده‌آل‌گرایانه به ازدواج به دلیل داشتن ضریب همبستگی پایین با دیگر متغیرها، حذف شدند. ضریب مسیر مستقیم سبک دلبستگی ایمن به تنظیم سازش یافته هیجان $(\beta=0/19)$ و

به نگرش واقع‌بینانه به ازدواج ($\beta = 0/18$) مثبت معنی‌دار است که نشان می‌دهد سبک دلبستگی ایمن موجب افزایش تنظیم شناختی سازش یافته و نگرش واقع‌بینانه به ازدواج می‌شود. ضریب مستقیم سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی به تنظیم شناختی سازش نیافته مثبت ($\beta = 0/21$) و به نگرش واقع‌بینانه به ازدواج منفی ($\beta = -0/25$) و معنی‌دار بود. سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرا نیز به ترتیب تأثیر مستقیم منفی ($\beta = -0/23$) و مثبت ($\beta = 0/37$) بر تنظیم شناختی سازش یافته و سازش نیافته داشت. تنظیم شناختی سازش نیافته نیز با نگرش واقع‌گرایانه به ازدواج ضریب تأثیر مستقیم منفی ($\beta = -0/16$) و با نگرش بدبینانه به ازدواج ضریب تأثیر مستقیم مثبت داشت ($\beta = 0/19$). تنظیم شناختی سازش یافته نیز با نگرش واقع‌گرایانه به ازدواج ضریب تأثیر مستقیم مثبت معنی‌دار داشت ($\beta = 0/19$).

شاخص‌های برازش نیز نشان می‌دهد که مدل آزمون شده از برازش مناسبی برخوردار است (جدول ۲). مقدار χ^2 دو معنی‌دار نبود ($\chi^2 = 8/18, p > 0/05$) و به نسبت χ^2 دو به درجه آزادی نیز زیر ۳ بود که برای برازش مدل مطلوب تلقی می‌شوند. شاخص‌های نیکویی برازش^۱ (GFI) شاخص برازش هنجار شده^۲ (NFI)، شاخص برازش نسبی^۳ (RFI)، شاخص برازش افزایشی^۴ (IFI)، شاخص برازش تطبیقی^۵ (CFI) همگی بالای ۰/۹۰ هستند که برای برازش مدل مطلوب تلقی می‌شوند. ریشه میانگین مربعات خطای برآورد^۶ (RMSEA) نیز ۰/۰۸ به دست آمد که مطلوب تلقی می‌شود. این یافته‌ها نشان می‌دهد داده‌ها از مدل اصلاح‌شده پژوهش حمایت می‌کنند و این مدل تأیید می‌شود.

جدول ۲. شاخص‌های برازش

شاخص	CMIN	DF	Sig	CMIN/DF	GFI	NFI	RFI	IFI	TLI	CFI	RMSEA
مقدار	۸/۱۸	۷	۰/۳۱۷	۱/۱۷	۰/۹۹	۰/۹۸	۰/۹۶	۰/۹۹	۰/۹۹	۰/۹۹	۰/۰۲۷

1 Goodness of Fit Index (GFI)

2 Normal Fit Index (NFI)

3 Relative Fit Index (RFI)

4 Incremental Fit Index (IFI)

5 Comparative Fit Index (CFI)

6 Root Mean Square Error of Approximation (RMSEA)

به‌منظور بررسی روابط غیرمستقیم و نقش میانجی متغیرها از روش بوت استرپینگ استفاده شد. یافته‌ها نشان می‌دهد ضریب مسیر غیرمستقیم سبک دلبستگی ایمن به نگرش واقع‌بینانه به ازدواج از طریق تنظیم شناختی سازش یافته معنی‌دار است ($\beta = 0.04, p < 0.05$). به عبارتی دیگر، تنظیم شناختی سازش یافته در ارتباط بین سبک دلبستگی ایمن و نگرش واقع‌بینانه به ازدواج نقش میانجی معنی‌داری دارد و سبک دلبستگی ایمن نه تنها به‌طور مستقیم بر نگرش واقع‌بینانه در افراد شرکت‌کننده در پژوهش تأثیر می‌گذاشت، بلکه به‌طور غیرمستقیم از طریق اثرگذاری بر تنظیم شناختی سازش یافته نیز موجب افزایش نگرش واقع‌بینانه به ازدواج می‌شد. برعکس تنظیم شناختی سازش نیافتاده در ارتباط بین سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی و نگرش واقع‌بینانه به ازدواج نقش میانجی معنی‌داری داشت ($\beta = -0.03, p < 0.05$). نتایج آزمون بوت استرپینگ و برآورد اثرهای مستقیم و غیرمستقیم سبک‌های دلبستگی ایمن و ناایمن اجتنابی بر نگرش واقع‌گرایانه به ازدواج در جدول ۳ آورده شده است.

جدول ۳. برآورد اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل و میانجی بر نگرش واقع‌گرایانه به ازدواج

متغیر مستقل	متغیر میانجی	متغیر وابسته	برآورد			
			مستقیم		غیرمستقیم	
			β	P	β	P
دلبستگی ایمن	---	نگرش واقع‌گرایانه به ازدواج	0.182	0.001	---	---
	تنظیم هیجان سازش یافته	نگرش واقع‌گرایانه به ازدواج	---	---	0.036	0.001
	---	تنظیم هیجان سازش یافته	0.19	0.001	---	---
دلبستگی اجتنابی	---	نگرش واقع‌گرایانه به ازدواج	-0.246	0.001	---	---
	تنظیم هیجان سازش نیافتاده	نگرش واقع‌گرایانه به ازدواج	---	---	-0.03	0.001

بر آورد						متغیر وابسته	متغیر میانجی	متغیر مستقل
کل		غیر مستقیم		مستقیم				
P	β	P	β	P	β			
۰/۰۰۱	۰/۲۰۷	--	--	۰/۰۰۱	۰/۲۰۷	تنظیم هیجان سازش نایافته		
۰/۰۰۱	۰/۳۷۳	--	--	۰/۰۰۱	۰/۳۷۳	تنظیم هیجان سازش نایافته	--	دلبستگی دوسوگرا
۰/۰۰۱	-۰/۲۲۷	--	--	۰/۰۰۱	-۰/۲۲۷	تنظیم هیجان سازش یافته	--	دلبستگی دوسوگرا

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش، بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و تنظیم شناختی هیجان با نگرش به ازدواج در جوانان مجرد بود. مطابق یافته‌های این پژوهش، سبک دلبستگی ایمن با نگرش واقع‌گرایانه به ازدواج، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و بین سبک‌های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا با نگرش واقع‌گرایانه به ازدواج، رابطه منفی و معناداری وجود دارد. این یافته با نتایج پژوهش‌های برخورداری و همکاران (۱۴۰۲)، حسینی، احمدی و مامی (۱۴۰۰)، آشته و کرمی (۱۳۹۷)، حسینی و همکاران (۱۴۰۰)، علیزاده مقدم، محمدی، نظیری و امینی منش (۱۴۰۰) و میکولینسر، شیور و روم (۲۰۱۱)، سالدیناز-کیروز و همکاران (۲۰۲۳)، ولدگالو همکاران (۲۰۲۲)، سوسا-گومز، لیموز، موریرا، ریرو و فاورو^۱ (۲۰۲۳)، همسویی داشت. در تبیین این یافته، می‌توان چنین بیان کرد سبک‌های دلبستگی یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در رشد و تحول شخصیت بهنجار و ایجاد روابط احساسی و هیجانی بین فردی است و تداوم سبک‌های دلبستگی در دوران بزرگ‌سالی نیز مشهود است (غفوری اصل و همکاران، ۱۳۹۳).

که افراد دارای سبک دلبستگی ایمن، احساس خود کفایتی بالایی دارند (میکولینسر^۲، ۱۹۹۵) و خود را شایسته عشق و عاطفه دیگران می‌دانند؛ بنابراین برداشت مثبت‌تری از خود و دیگران دارند و رفتارهای سازگارانه‌تری در روابط خود نشان می‌دهند (افشاری‌نیا، ۱۳۹۳). این

1 Sousa-Gomes, Lemos, Moreira, Ribeiro & Favero

2 Mikolenser

افراد به راحتی با دیگران ارتباط برقرار می‌کنند و از اینکه به دیگران تکیه کنند و تکیه گاهی برای دیگران باشند احساس مثبتی دارند. درواقع افراد با سبک دلبستگی ایمن عملکرد و شایستگی قابل قبولی نسبت به روابط بین فردی دارند؛ بنابراین نگرش واقع‌بینانه‌ای نسبت به ازدواج دارند؛ اما افراد دارای سبک دلبستگی اجتنابی آموخته‌اند برای اینکه احساس امنیت نسبی کنند، باید شدیداً به خود متکی باشند و حتی هنگامی که چنین حمایت‌هایی برای بقا و بالندگی‌شان ضروری باشد، مستقیم حمایتی را از طرف مقابل طلب نمی‌کنند (جانسون و یفن^۱، ۲۰۰۳؛ ترجمه بهرامی و همکاران، ۱۳۹۶)؛ بنابراین نگرش بدبینانه به ازدواج آن‌ها را می‌توان ناشی از تغییر در پاسخ‌های رفتاری در نظر گرفت که این تغییرات در پاسخ‌های رفتاری عبارت‌اند از: اصلاح شیوه‌های تنظیم هیجان، تغییر در روابط خاص و تغییر در مدل‌های شناختی خود و دیگران. همچنین افراد دارای سبک دلبستگی دوسوگرا، اطمینان ندارند که ارزش عشق ورزیدن داشته و مورد حمایت قرار گیرند. آن‌ها به صورت مداوم در تردید و هراس، گوش به زنگی و بدگمانی هستند. چنین افرادی در ارتباط با اطرافیان خود احتمالاً تجربیات منفی بیشتری داشته و دیدگاه مثبتی نسبت به خود ندارند. جانسون، مکین و میلیکین^۲ (۲۰۰۱) به این نتیجه رسیدند که تقویت حس امنیت در فرد دارای دلبستگی دوسوگرا بسیار دشوار است؛ زیرا هرگاه او تجربیات به ظاهر مطلوب و خوشایند عشق و صمیمیت را به یاد می‌آورد، مفاهیم منفی و خاطرات مربوط به آسیب‌های دلبستگی را به طور خودآگاه یا ناخودآگاه به خاطر می‌آورد و به طور کلی افرادی که آسیب‌پذیری‌های پایداری مانند دلبستگی ناایمن دارند، در این زمان بیشتر در معرض خطر کیفیت روابط ضعیف هستند (ودلاگو همکاران، ۲۰۲۳).

در ادامه یافته‌های این پژوهش، ارتباط مثبت معنادار بین راهبرد سازش یافته و نگرش واقع‌گرایانه به ازدواج مشاهده شد. همچنین راهبرد سازش نیافتاده با نگرش واقع‌گرایانه به ازدواج، رابطه منفی معنادار و با نگرش بدبینانه به ازدواج، رابطه مثبت معنادار داشت. نتایج این یافته با یافته‌های میردیکوند، آدینه و شیخان (۱۳۹۵)، غفوری اصل و همکاران (۱۳۹۳) اخوان خرازی و رضانی (۱۴۰۱) سپهریان آذر، اسدی مجره، اسدینا و فرنودی (۱۳۹۳) حسین‌پور

1 Whiffen

2 Makinen, J. A & Millikin

لنگرودی، نوری و کیلی (۱۳۹۳) و هیون و شین^۱ (۲۰۱۰)، سوسا-گومز و همکاران (۲۰۲۳)، (الرت و باچیم، ۲۰۲۳)، انجیم و همکاران (۲۰۲۳) به‌طور غیرمستقیم همسو است. از آنجایی که توانایی تنظیم شناختی هیجان می‌تواند کیفیت روابط فرد را تعیین کند، افرادی که قادر به تنظیم هیجان‌اتشان هستند، هیجان‌ات خود و دیگران را بهتر درک می‌کنند و در نتیجه درک بهتری از وضعیت‌های گوناگون به دست می‌آورند، توانایی مقابله با هیجان‌ها را دارند و از مهارت‌های بین فردی و درون فردی توسعه یافته‌تری برخوردارند (لوپز و همکاران^۲، ۲۰۰۴). این افراد حالت‌های مثبت و پویایی احساسات بیشتری را بروز می‌دهند و بر جنبه‌های مثبت خود و محیط تمرکز دارند و با اثری که بر بهبود ویژگی‌های شخصیتی خود دارند، رابطه خود را با طرف مقابل حفظ می‌کنند و نگرشی واقع‌گرایانه به ازدواج در پیش می‌گیرند و در مقابل، افرادی که راهبرد سازش نیافته‌ای در تنظیم شناختی هیجان دارند، نمی‌توانند موقعیت هیجانی خود را حفظ کنند و احساس می‌کنند که در الگوهای منفی ارتباط با دیگران قرار می‌گیرند (آبت^۳، ۲۰۰۵). آن‌ها به دلیل برخوردار بودن از مهارت‌های منفی در برقراری ارتباط مثبت با شریک زندگی نیز با مشکل مواجه می‌شوند و خارج از کنترل بودن رو احساس می‌کنند (زارع و رضایی، ۱۳۹۵) و با وجود تعارض و اختلاف در ارتباطات خود، تمایل آن‌ها به ازدواج کاهش می‌یابد.

در نهایت، یافته‌های پژوهش نشان داد تنظیم شناختی هیجان در ارتباط بین سبک‌های دلبستگی با نگرش به ازدواج، نقش میانجی دارد. سبک دلبستگی ایمن با راهبرد سازش یافته ارتباط مثبت معناداری داشت و سبک‌های دلبستگی ناایمن اجتنابی و دوسوگرا ارتباط مثبت معناداری با راهبرد سازش نیافته تنظیم شناختی هیجان داشت و ارتباط منفی معنی‌داری با راهبرد سازش یافته تنظیم شناختی هیجان داشت. به‌طور کلی، سبک دلبستگی ایمن پیش‌بینی کننده مثبت استفاده از راهبرد سازش یافته و همچنین پیش‌بینی کننده منفی استفاده از راهبردهای سازش نیافته تنظیم شناختی هیجان بود. نتایج این یافته، با پژوهش‌های زارع و

1 Hion &Shin

2 Lopes

3 Abbot

همکاران (۱۳۹۸)، محمودی و فولاد چنگ (۱۳۹۷)، رید و همکاران (۲۰۱۸)، تراب و استارکس (۲۰۱۷) همسویی دارد.

در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت بر اساس نظریه دلبستگی بالبی، افراد به دنبال حمایت و حفظ نزدیکی با مراقبین برای ارضای نیازهای خود به دنیا می‌آیند. تعامل بین کودکان و مراقبان یک پیوند دلبستگی نزدیک ایجاد می‌کند و سپس کودکان این پیوند را درونی می‌کنند که بر سبک‌های دلبستگی آن‌ها تأثیر می‌گذارد. در این بین مشکلات و ناملایمات دوران کودکی سبب می‌شود که فرد دچار احساسات منفی و مداوم شده و دچار اختلال در هیجان شود و این امر موجب می‌شود فرد برای تعدیل هیجانات خود دچار مشکل شود (بی و همکاران، ۲۰۲۳). پژوهش‌ها نشان می‌دهند که دلبستگی و تنظیم هیجان باهم ارتباط نزدیک و پیچیده‌ای دارند و از هم جدایی‌ناپذیر هستند (هازان و سلچوک^۱، ۲۰۱۵)؛ درواقع سیستم دلبستگی نوعی سیستم تنظیم هیجان است که در آن استراتژی‌های تنظیم به‌عنوان بسط مدل‌های درونی که رفتار را در روابط هدایت می‌کنند در نظر گرفته می‌شوند (گاردنر، زیمر-گمبک و کمپل^۲، ۲۰۲۰). در حقیقت الگوهای تنظیم هیجان فرد در نگرش و ایجاد دلبستگی‌های عاشقانه فرد در ارتباط با جنس مخالف تحت تأثیر سبک‌های دلبستگی و ارتباط فرد با والدینش در دوران کودکی است (فاورو، لیموس، موریرا، ریبرو و سوسا گومز^۳، ۲۰۲۱). فرد دارای سبک دلبستگی ایمن به دلیل داشتن تصویر مثبت از خود، سازگاری و شایستگی در عملکرد و رفتار خود، احساس راحتی در موقعیت‌های اجتماعی، کنترل خشم و عدم پرخاشگری، از راهبردهای سازش یافته برای تنظیم هیجانات خود استفاده می‌کند. سبک دلبستگی ایمن، عامل بازدارنده‌ای در برابر استفاده بیشتر از راهبردهای سازش نیافته هیجان می‌باشد و در مقابل، دلبستگی نایمن، استفاده مکرر از راهبردهای سازش نیافته مانند سرزنش خود، فاجعه‌انگاری و نشخوار ذهنی را در پی دارد. فردی که سبک دلبستگی نایمن دارد، در تنظیم شناختی هیجان راهبرد سازش نیافته را در پیش می‌گیرد که باعث ناتوانی در بیان نیازهای عاطفی و در نتیجه ناسازگاری در روابط بین

1 Hazan & Selcuk

2 Gardner, Zimmer-Gembeck & Campbell

3 Fávero, Lemos, Moreira, Ribeiro & Sousa-Gomes

فردی می‌شود. افراد دارای سبک دلبستگی اجتنابی، از فهم واکنش‌های هیجانی‌شان اجتناب می‌کنند و در موقعیت‌های استرس‌زا، ممکن است راهبردهای حل مسئله‌شان به شکست منجر شود (هان^۱، ۲۰۰۶). این افراد هر حالت هیجانی را که با استقلال و خودکفایی آن‌ها ناهم‌سو باشد را سرکوب می‌کنند و این سرکوب‌ها باعث ایجاد حالات هیجانی مانند ترس، اضطراب، خشم، احساس گناه و درماندگی می‌شود. فرد دارای سبک دلبستگی دوسوگرا، احساس می‌کند دیگران تمایل به ارتباط نزدیک با او ندارند و اغلب نگران است که شریک رابطه عاطفی او را دوست نداشته باشد (تابع جماعت، ۱۳۸۶). یکی از عوامل مؤثر در تشکیل روابط زوجین، عامل هیجان مثبت است. هیجان باعث افزایش مهارت لازم برای برقراری رابطه مناسب و انگیزه برای تداوم رابطه است (امین‌آبادی و دهقانی، ۱۳۹۰). همچنین پژوهش بشارت و همکاران (۱۳۹۲) نشان داد که نقص در تنظیم شناختی هیجان یا استفاده از راهبرد سازش نایافته هیجان باعث عواطف منفی در افراد می‌شود که میل به ارتباط کاهش می‌دهد و تمایل و نگرش آن‌ها به ازدواج بدبینانه می‌شود. درواقع تنظیم هیجان با تعدیل احساسات و هیجانات و استفاده از راهبردهای انطباقی، با هیجانات منفی مقابله می‌کند. از آنجایی که تنظیم هیجانات به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های هوش هیجانی به شمار می‌رود سبب می‌شود که فرد در مواقع حساس و تصمیم‌گیری‌های مهم، قادر به کنترل هیجانات خود باشد و سازگار با موقعیت واکنش نشان دهد؛ به همین خاطر فرد از توانایی تصمیم‌گیری و ایجاد باور و نگرش سازنده نسبت به انتخاب‌های مهم در طول زندگی خود است.

درمجموع، می‌توان گفت سبک دلبستگی یک پیوند عاطفی قوی و پایدار با افراد خاص است. این پیوند درونی در ارتباط با افراد مهم در طول زندگی هر فرد شکل می‌گیرد (لاب، ناگین و سمپسون^۲، ۱۹۹۸) و باعث تمایل به ازدواج و برقراری رابطه مداوم می‌شود. همچنین افرادی که دارای سبک دلبستگی ایمن هستند، به دلیل احساس آرامش در روابط خود به دنبال شریک زندگی می‌گردند (بیدیرو همکاران^۳، ۲۰۲۰) که درنهایت نگرش آن‌ها به ازدواج

4Hwang

2Laub, Nagin, & Sampson

3 Bidiro

خوش‌بینانه است. علاوه بر آن، تنظیم شناختی هیجان، تنها بر زندگی شخصی افراد تأثیر نمی‌گذارد؛ بلکه در ارتباط آن‌ها با فرد دیگری نیز تأثیرگذار است. افرادی که هیجانات خود را به‌درستی تنظیم می‌کنند، از مهارت‌های مقابله‌ای و ارتباطی خوبی برخوردارند که نتیجه آن، نگرش خوش‌بینانه به ازدواج است.

پیشنهاد می‌شود با توجه به یافته‌های حاضر و نقش قطعی و مؤثر سطح دلبستگی جوانان بر نگرش به ازدواج آن‌ها، بهبود قوانین موجود، ایجاد راهکارهای مناسب، ایجاد انگیزه و آگاهی بیشتر در والدین و آموزش بیشتر مسائل دلبستگی اهمیت داده شود. همچنین نتایج این پژوهش، اطلاعات مهمی هم برای والدین و هم برای مراکز تعلیم و تربیتی در بردارد.

ازجمله محدودیت‌های پژوهش حاضر این است که تحقیق از نوع همبستگی است و در استنباط علی از یافته‌ها باید احتیاط کرد. همچنین این پژوهش، صرفاً به بررسی دانشجویان دانشگاه اصفهان پرداخته شد و اثر متغیرهایی همچون تحصیلات و شغل والدین، وضعیت اقتصادی و... بررسی نشده است لذا باید در تعمیم یافته‌ها به سایر گروه‌های جامعه احتیاط کرد. همچنین پیشنهاد می‌شود در زمینه‌ی نگرش به ازدواج به عوامل دیگری همچون پرخاشگری، افسردگی، کمال‌گرایی و... به‌عنوان متغیرهای مستقل واسطه‌پردازند.

تعارض منافع

بنا به اظهار نویسندگان تضاد منافی وجود ندارد.

ORCID

Yaser Rezapour Mirsaleh

Hedyeh Rabaniayn

Fatemeh Aminjafari



<https://orcid.org/0000-0002-7308-6912>



<https://orcid.org/>



<https://orcid.org/>

منابع

- اخوان خرازی، مریم؛ رمضان، محمد آرش (۱۴۰۱). بررسی رابطه بین صمیمیت جنسی، تنظیم هیجان و سبک‌های دلبستگی. *مطالعات روان‌شناختی نوجوان و جوان*، ۳ (۲)، ۵۶-۴۱.
- آشته، کژال (۱۳۹۳). پیش‌بینی نگرش به ازدواج از طریق ویژگی‌های شخصیتی، سبک‌های دلبستگی و جوّ خانوادگی در دانشجویان مجرد دانشگاه رازی کرمانشاه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه رازی کرمانشاه.
- آشته، کژال؛ و کرمی، جهانگیر. (۱۳۹۷). پیش‌بینی نگرش به ازدواج از طریق ویژگی‌های شخصیتی، سبک‌های دلبستگی و جوّ خانوادگی در دانشجویان دختر مجرد دانشگاه رازی کرمانشاه، *رویش روان‌شناسی*، ۷ (۱۱)، ۳۷۴-۳۵۵.
- اکبرزاده عبدالجبار، حسن؛ حسین پورلنگرودی، فاطمه؛ و مصباح، نسرين (۱۳۸۹). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی با نگرش نسبت به ازدواج و مهارت حل تعارض در دانشجویان مجرد کارشناسی دانشگاه تهران، *زن و مطالعات خانواده*، ۲ (۸).
- امیدوار، بنفشه؛ فاتحی زاده، مریم السادات و احمدی، سیداحمد (۱۳۸۸). بررسی تأثیر آموزش پیش از ازدواج بر انتظارات زناشویی دانشجویان در آستانه ازدواج در شهر شیراز. *خانواده پژوهی*، ۵ (۱۸)، ۲۳۱-۲۴۶.
- امین‌آبادی، زهرا؛ خداپناهی، محمدکریم؛ و دهقانی، محسن (۱۳۹۰). نقش میانجی تنظیم هیجان شناختی در ادراک نوجوانان از ابعاد سبک‌های فرزندپروری و موفقیت تحصیلی آن‌ها. *مجله علوم رفتاری*، ۵ (۲)، ۱۰۹-۱۱۷.
- برخورداری، مهتاب؛ صیدی، محمّدسجاد؛ و حجت خواه سید محسن (۱۴۰۲). مدل علی صمیمیت زن و شوهری بر اساس سبک‌های دلبستگی، خودشفقت‌ورزی و ذهن‌آگاهی در روابط عاشقانه زوج‌ها. *فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ۱۴ (۵۵)، ۹۰-۶۹.
- بشارت، محمدعلی (۱۳۸۴). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و هوش هیجانی. *اندیشه‌های نوین تربیتی*، ۱ (۳)، ۱۴۲-۱۳۱.

بشارت، محمدعلی؛ کشاورز، سمیرا؛ غلامعلی لواسانی، مسعود؛ و عربی، الهام (۱۳۹۷). نقش واسطه‌ای حمایت اجتماعی ادراک شده در رابطه بین روان سازه‌های ناسازگار اولیه و کیفیت زندگی. *مجله روان‌شناسی*، ۲۲ (۳)، ۲۷۰-۲۵۶.

تابع جماعت، محمدرضا (۱۳۸۶). پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات. جانسون، سوزان و ویفن والری (۱۳۹۶). فرایندهای دلبستگی در زوج‌درمانی و خانواده‌درمانی. ترجمه فاطمه بهرامی و همکاران، تهران: دانژه. حسنی، جعفر (۱۳۸۹). خصوصیات روان‌سنجی پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان، *روان‌شناسی بالینی*، ۳، ۸۳-۷۳.

حسین‌پور لنگرودی، فاطمه؛ نوری قاسم‌آبادی، ربابه؛ و کیلی، پریوش (۱۳۹۳). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی با نگرش نسبت به ازدواج در دانشجویان مجرد کارشناسی دانشگاه تهران. *تحقیقات مدیریت آموزشی*، ۵ (۱۹)، ۱۶۲-۱۴۷.

حسینی، زینب السادات؛ احمدی وحید؛ و مامی، شهرام (۱۴۰۰). اثربخشی شناخت درمانی مبتنی بر ذهن آگاهی بر راهبردهای تنظیم شناختی هیجان شادکامی مردان مصرف‌کننده مت‌آفتامین. *خانواده‌درمانی کاربردی*، ۲ (۱)، ۱۹۹-۱۷۷.

حسینی، زهرا؛ تاجیک اسماعیلی، عزیزاله؛ و محسن زاده، فرشاد (۱۴۰۰). اثربخشی آموزش مفاهیم تئوری انتخاب بر نگرش به ازدواج در افراد در شرف ازدواج با توجه به سبک‌های دلبستگی. *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، ۲۲ (۴) (پیاپی ۸۶)، ۴۳-۵۷.

خجسته مهر، رضا؛ محمدی، علی؛ و عباس‌پور، ذبیح‌الله (۱۳۹۵). نظریه زمینه‌ای فرایند شکل‌گیری نگرش به ازدواج: یک مطالعه کیفی. *تحقیقات کیفی در علوم سلامت*، ۶ (۳)، ۳۵۴-۳۴۳.

دوست محمدی، یحیی (۱۳۸۹). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و ابعاد سه‌گانه عشق اشتراک با سازگاری زناشویی در بین معلمان متأهل شاغل در آموزش و پرورش شهر شهریار. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.

بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی با نگرش به ازدواج با توجه به نقش ...؛ رضاپور میرصالح و همکاران | ۶۱

رنجبردار، سمیرا (۱۳۸۹). هوش هیجانی و راه‌های افزایش آن. *آموزش مشاوره مدرسه*، ۱۹، ۱۴-۱۲.

سپهری، صفورا؛ و حسن‌زاده توکلی، محمدرضا (۱۳۹۰). بررسی اعتبار و روایی مقیاس نگرش‌های مربوط به همسر. *خانواده پژوهی*، ۷(۴)، ۴۰۱-۴۱۹.

سپهریان آذر، فیروزه، اسدی مجره، سامره، اسدینیا، سعید، و فرنودی، لیدا (۱۳۹۳). رابطه سبک‌های دلبستگی و راهبردهای مقابله‌ای با دشواری‌های تنظیم هیجان در دوران نوجوانی. *مجله مطالعات علوم پزشکی (مجله پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ارومیه)*، ۲۵(۱۰)، ۹۲۲-۹۳۰.

شریفی زاده، زینب (۱۳۹۱). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی اضطرابی اجتنابی و نگرش مذهبی با نگرش به ازدواج و ادراک آمادگی ازدواج در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه قم. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز.

شوشتری اکبرخیز، زهره؛ و رمضانی، محمد آرش (۱۴۰۱). اثربخشی زوج‌درمانی هیجان‌مدار بر تنظیم هیجانی و سطح پلاسمایی هورمون اکسی‌توسین خون زوجین. *فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*. ۱۳(۵۰)، ۹۹-۱۲۷.

علیزاده مقدم، اکرم؛ محمدی، مسعود؛ نظیری، قاسم؛ امینی منش، سجاد (۱۴۰۰). پیش‌بینی نشانگان ضربه عشق بر اساس سبک‌های دلبستگی با نقش میانجی تنظیم هیجان. *روان پرستاری*. ۹(۳): ۹۶-۱۰۶.

غفوری اصل، فرانک؛ عبدالهی، محمدحسین؛ و امیری، محسن (۱۳۹۳). سبک‌های دلبستگی، تنظیم هیجان و ملاک‌های انتخاب همسر در دانشجویان مجرد دانشگاه خوارزمی. *مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، ۱۳(۲۶)، ۱۵۰-۱۳۱.

کریمی‌فر، مسعود؛ دین‌پرور، احسان؛ جواهری محمدی؛ مریم؛ حسین ثابت، فریده؛ و بجانی، حسین (۱۳۹۵). اثربخشی آموزش مدیریت حافظه هیجانی بر راهبردهای تنظیم شناختی هیجان. *تازه‌های علوم شناختی*، ۱۸(۴) (مسلسل ۷۲)، ۱۱-۲۳.

موقوفه‌ای، فاطمه (۱۳۹۴). رابطه سبک‌های دلبستگی و تعهد زناشویی جهت‌گیری مذهبی و رضایت‌مندی زناشویی در دانشجویان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه.

میردریگوند، فضل اله؛ آدینه، مصطفی؛ و شیخان، ریحانه (۱۳۹۵). تصویر ذهنی بدنی و راهبردهای تنظیم شناختی هیجان در نوجوانان و جوانان. نهمین کنگره بین‌المللی روان‌درمانی (اجلاس آسیایی در بستر ارزش‌های فرهنگی): تهران.

نامنی، ابراهیم؛ و نجفی، فاطمه (۱۳۹۷). نقش میانجی گرایانه هیجان خواهی در رابطه اشتیاق به شبکه‌های اجتماعی و سبک دلبستگی با انسجام خانواده در زنان متأهل. فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۹ (۳۶)، ۱۱۷-۱۴۳.

نوری، نسیم. (۱۳۸۸). رابطه بین سبک‌های دلبستگی و نگرش افراد به عشق و تأثیر آن‌ها بر معیارهای ازدواج. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس تهران.

نیلفروشان، پریسا؛ نویدیان، علی؛ و عابدی، احمد (۱۳۹۲). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس نگرش به ازدواج. نشریه روان‌پرستاری، ۱ (۴۷)، ۱-۳۵.

یعقوبی، ابوالقاسم؛ یارمحمدی واصل، مسیب؛ و شمشیری، شمس (۱۳۹۹). رابطه سبک دلبستگی با مؤلفه‌های احساس ذهنی بهزیستی و خلاقیت هیجانی در دانشجویان دانشگاه بوعلی سینا همدان. فصلنامه روان‌شناسی تربیتی، ۱۶ (۵۶)، ۱۵۷-۱۸۰.

References

- Abbot, B. (2005). *Emotion Dysregulation and Re- Regulation: predictors of Relationship intimacy and Distress*. Doctoral Dissertation, Texas university.
- Adamczyk, K. (2017). Direct and indirect effects of relationship status through satisfaction with relationship status and fear of being single on Polish young adults' well-being. *Personality and Individual Differences*, 111, 51-57.
- Anjum, W., Qazi, Z., Amin, K., Ramzan, M., & Alvi, G. F. (2023). Attachment styles, emotional intelligence, and perceived stress among law students. *Russian Law Journal*, 11(8), e88.
- Bedair, K., Hamza, E. A., & Gladding, S. T. (2020). Attachment style, marital satisfaction, and mutual support attachment style in Qatar. *The Family Journal Research*, 28(3), 329 -336.
- Bowlby, J.A. (1973). *Attachment and Loss: Separation*. New York: Basic Books.
- Bowlby, J.A. (1988). *A secure base: clinical applications of attachment theory*. New York: Basic Books.

- Braaten, E. B., & Rosén, L. A. (1998). Development and validation of the Marital Attitude Scale. *Journal of Divorce & Remarriage*, 29(3-4), 83-91.
- Burnette, J., Davis, D. E., Green, J. D., Worthington, E., & Bradfield, E. (2009). Insecure attachment and depressive symptoms; the mediating role of rumination empathy, and Individual Personality and forgiveness. *Differences*, 46, 276-280.
- Cassidy, J. (1994). Emotion regulation: Influences of attachment relationships. *Monographs of the society for research in child development*, 59(2-3), 228-249.
- Davila, J., & Bradbury, T. N. (2004). Attachment insecurity and the distinction between unhappy spouses who do and do not divorce. *Journal of family Psychology*, 15, 371-393.
- Decker, M. L., Turk, C. L., Hess, B., Murray, C. E. (2008). Emotion regulation among individuals classified with and without generalized anxiety disorder. *Journal of Anxiety Disorders*, 22, 458-494.
- Eilert, D. W., & Buchheim, A. (2023). Attachment-Related Differences in Emotion Regulation in Adults: A Systematic Review on Attachment Representations. *Brain Sciences*, 13(6), 884.
- Garnefski, N., kraaij, V., & Spinhoven, P. (2001) Negative life events, Individual cognitive emotion regulation and problems. *Personality and Differences*, 30, 1311-1327.
- Gross, J. J. (2001). Emotion regulation in adulthood: Timing is everything. *Current Directions in Psychological Science*, 10(6), 214-219.
- Gross, J. J. (2015). The extended process model of emotion regulation: Elaborations, applications, and future directions. *Psychological Inquiry*, 26(1), 130-137.
- Gross, J. J., Richards, J. M., & John, O. P. (2006). Emotion regulation in everyday life. In D. K. Snyder, J. A. Simpson, & J. N. Hughes (Eds.), *Emotion regulation in couples and families: Pathways to dysfunction and health* (pp. 13–35). Washington, DC: American Psychological Association.
- Hazan, C., & Shaver, P. (1987). Romantic love conceptualized as an attachment process. *Journal of Personality and Social Psychology*, 52(3), 511-524.

- Hwang, J. (2006). *A processing model of emotion regulation: insights from the attachment system*. Doctoral dissertation, Georgia State University.
- Johnson, S.M., Makinen, J. A & Millikin, J. W. (2001). Attachment injuries in couple relationships: A new perspective on impasses in couple therapy. *Journal of Marital and Family Therapy*, 27, 145-155.
- Jonsson, F. H. (2000). Parental divorce: long - term effects on mental health. *Family relations and adult sexual behavior*, 41, 101-105
- Kobak, R. R., & Sceery, A. (1988). Attachment in late adolescence: Working after models, and regulation representations of self and others. *Child Development*, 59, 135-146.
- Laub, J. H., Nagin, D. S., & Sampson, R. J. (1998). Trajectories of change in criminal offending: Good marriages and the desistance process. *American sociological review*, 63(2), 225-238.
- Lopes, P. N., Brackett, M. A., Nezlek, J., Schultz, A., Sellin, I., & Salovey, P. (2004). Emotional intelligence and social interaction. *Journal of Personality and Social Psychology Bulletin*, 30, 1018-1034.
- Mauss, I. B., Bunge, S. A., & Gross, J. J. (2007). Automatic emotion regulation. *Social and Personality Psychology Compass*, 1(1), 146-167.
- Mikulincer, M. (1995). Attachment style and the mental representation of the self. *Journal of personality and social psychology*, 69(6), 12-30.
- Mikulincer, M., Shaver, P. R., & Rom, E. (2011). The effects of implicit and explicit security priming on creative problem solving. *Cognition and Emotion*, 25(3), 519-531.
- Plantade-Gipch, A., Bruno, J., Strub, L., Bouvard, M., & Martin-Krumm, C. (2023). Emotional regulation, attachment style, and assertiveness as determinants of well-being in emerging adults. *Frontiers in Education*, 8, e1058519.
- Rothbart, M. K., & Ahadi, S. A. (1994). Temperament and the development of personality. *Journal of Abnormal Psychology*, 103, 55-66.
- Salinas-Quiroz, F., Domínguez-Espinosa, A. D. C., & Mercado, S. P. R. (2023). Impact of attachment styles, need for social approval, and

- emotional regulation on mental health: A parallel mediation model. *Revista de Psicología*, 41(1), 269-305.
- Shaver, P. R., Schachner, D. A., & Mikulincer, M. (2005). Attachment style, excessive reassurance seeking, relationship processes, and depression. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 31(3), 343-359.
- Tasca, G. A., & Balfour, L. (2014). Attachment and eating disorders: A review of current research. *International Journal of Eating Disorders*, 47(7), 710-717.
- Thompson, R. A. (1994). Emotion regulation: A theme in search of definition. *Monographs of the Society For Research In Child Development*, 59(2-3), 25-52.
- Vedelago, L., Balzarini, R. N., Fitzpatrick, S., & Muise, A. (2023). Tailoring dyadic coping strategies to attachment style: Emotion-focused and problem-focused dyadic coping differentially buffer anxiously and avoidantly attached partners. *Journal of Social and Personal Relationships*, 40(6), 1830-1853.
- Williams, L. E., Bargh, J. A., Nocera, C. C., & Gray, J. R. (2009). The unconscious regulation of emotion: nonconscious reappraisal goals modulate emotional reactivity. *Emotion*, 9(6), 847.
- Ye, Z., Wei, X., Zhang, J., Li, H., & Cao, J. (2023). The impact of adverse childhood experiences on depression: the role of insecure attachment styles and emotion dysregulation strategies. *Current Psychology*, 18, 1-11.
- Hazan, C., & Selcuk, E. (2015). Normative processes in romantic attachment: Introduction and overview. In V. Zayas & C. Hazan (Eds.), *Bases of adult attachment: Linking brain, mind and behavior* (pp. 3–8). New York, NY: Springer.
- Fávero, M., Lemos, L., Moreira, D., Ribeiro, F. N., & Sousa-Gomes, V. (2021). Romantic attachment and difficulties in emotion regulation on dyadic adjustment: A comprehensive literature review. *Frontiers in Psychology*, 12, e723823.
- Sousa-Gomes, V., Lemos, L., Moreira, D., Ribeiro, F. N., & Favero, M. (2023). Predictive effect of romantic attachment and difficulties in emotional regulation on the dyadic adjustment. *Sexuality Research and Social Policy*, 20(2), 676-691.

Gardner, A. A., Zimmer-Gembeck, M. J., & Campbell, S. M. (2020). Attachment and emotion regulation: A person-centred examination and relations with coping with rejection, friendship closeness, and emotional adjustment. *British Journal of Developmental Psychology*, 38(1), 125–143



استناد به این مقاله: رضاپور میرصالح، یاسر، ربانیا، هدیه، امین جعفری، فاطمه. (۱۴۰۴). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی با نگرش به ازدواج با توجه به نقش میانجی تنظیم شناختی هیجان، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۱۶(۶۱)، ۳۳-۶۶. DOI: 10.22054/qccpc.2025.75286.3173



Counseling Culture and Psychotherapy is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.